



جام زهر، گزینه‌ای ناگزیر؟!

بعد از سقوط طالبان در افغانستان، اگر هنوز وجود رژیم صدام حسین در عراق و تعیین تکلیف با آن به عنوان یک مسئله بالفعل در مرکز توجه سیاست‌گزاران دولت‌های امپریالیستی قرار داشت و در سایه این سیاست، جمهوری اسلامی بخشا در سایه قرار می‌گرفت و می‌توانست به سیاست‌های خود کم و بیش به روال چند سال گذشته ادامه دهد، اما سقوط رژیم صدام و اشغال نظامی عراق، این معادله را برهم زد. جایگاه جمهوری اسلامی در سیاست‌های جهانی دولت‌های امپریالیستی به ویژه در سطح منطقه خاور میانه، امروز نه فقط از سایه و حاشیه به مرکز رانده شده است، بلکه تحولات یاد شده و قبل از همه قرار گرفتن جمهوری اسلامی در محاصره ارتش‌های امپریالیستی، تأثیرات بلاواسطه‌ای بر سیاست‌های رژیم و شتاب‌روندهای درونی آن نیز بخشیده است. از یک سو شکاف‌های سیاسی عمیق‌تر و اختلافات درونی را تیزتر کرده است و از دیگر سو، نگرانی شدید از اوضاع و وحشت‌ناک‌تر از سقوط کلیت رژیم، دو جناح اصلی حکومتی را قوی‌تر و فکری واداشته و آنها را به کنار آمدن با یکدیگر، برای کنار آمدن با آمریکا نزدیک‌تر می‌سازد. رژیم جمهوری اسلامی فقط در عرصه سیاست خارجی و موضع‌گیری در قبال مسئله عراق و فلسطین نیست که در برابر سیاست چماق و نان قندی ائتلاف امپریالیستی به رهبری آمریکا، هم در مذاکراتش با فرستاده آمریکادر ژنو و هم در جریان عمل مجبور شده است به برخی از سیاست‌های تاکتونی‌اش در این زمینه، نقطه پایان بگذارد و از دعاوی پان‌اسلامیستی‌اش در باره جهان اسلام دست بشوید و سیاست خویش را تعدیل کند و یا تغییر دهد و با نرم‌های مورد نظر آنان تاحد امکان هماهنگ سازد. در عرصه داخلی نیز چنین به نظر می‌رسد که جمهوری اسلامی راه دیگری جز این نداشته باشد، هر چند این جا مسئله بسیار مشکل‌تر و پیچیده‌تر خواهد بود.

با این همه لااقل جبهه دوم خرداد، دارد زمینه را برای این هماهنگی آماده می‌سازد. تمام تلاش و تحرک‌های جناح دردوره بعد از سقوط رژیم عراق که با نوعی احساس پشت‌گرمی و حمایت از طرف بورژوازی جهانی و در همین حدود با اعتماد به نفس و جرات بیشتری نسبت به گذشته همراه است، برای راه جویی و سر عقل آوردن جناح دیگر و در راس آن رهبر حکومت اسلامی (خامنه‌ای) را، در همین چار

صفحه ۲

تشکل‌های مستقل کارگری و ادعاهای پوچ نماینده سازمان بین‌المللی کار

و سیاسی خود شکل دادند. اتحادیه‌ها و تعاونی‌های کارگری ایجاد نمودند. شورا برپا کردند و حزب طبقاتی خود را سازمان دادند. مرتجعین نمی‌توانستند این ابتکارات طبقه کارگر را که نشان دهنده سطح بالایی از همبستگی و آگاهی طبقاتی در صفوف اردویی کار بودند، تحمل کنند، لذا طبقات حاکم سرمایه‌دار و مالک که در اتحاد با ارتجاع بین‌المللی، استبداد رضاخانی را بر ایران حاکم کردند، این تلاش‌های کارگران را درهم شکستند و با سرکوب‌های خشن، تشکل‌های کارگری را غیر قانونی اعلام و از بین بردند.

این، اما به معنای پایان تلاش کارگران برای حفظ صفوف یک پارچه خود در مبارزه نبود. در اوج استبداد رضاخانی نیز کارگران پیشرو با ایجاد تشکل‌ها و هسته‌های مخفی، اهداف طبقاتی خود را دنبال نمودند و حتا اعتصاب سازمان‌یافته برپا کردند. سقوط رضاخان کافی بود تا بار دیگر صدها هزار کارگر، اتحاد و هم-بستگی خود را در مبارزه برای ایجاد تشکل‌های

صفحه ۳

دردنارک اعتراض علیه

«گروه ۸» در شهر اوپان فرانسه

نشست سالانه ی گروه هشت روز های ۱ و ۲ ژوئن ۲۰۰۳ در اوپان برگزار می‌شود. به دین جهت دولت فرانسه در تب و تاب است. دیگر نیرو های پلیس کفاف نمی دهند و ارتش فرانسه بسیج شده تاجلسه سران هشت کشور صنعتی جهان در "امنیت" کامل برپا شود. رادارهای پیشرفته ارتش مستقرگشته، منطقه ممنوعه هوایی برای پرواز در نظر گرفته شده و محتاجکننده های فرانسوی به طوری در اطراف اوپان قرار گرفته اند که بتوانند در کمتر از شش دقیقه به فرودگاه ژنو، واقع در کشور همسایه، برسند و حملات احتمالی هوایی را خنثا کنند.

صفحه ۶

در این شماره

- ۶ اخباری از ایران
- خلاصه ای از اطلاعیه ها
- ۷ و بیانیه های سازمان
- ۴ اخبار کارگری جهان

طبقه کارگردر مبارزه خود علیه طبقه سرمایه دار و کلیه پاسداران نظام ستم و استثمار سرمایه داری، وسیله ای جز اتحاد و تشکل ندارد.

این اتحاد و همبستگی کارگری و این نیاز به تشکل و مبارزه ای سازمان یافته، از واقعیت وجودی طبقه کارگر، از شرایط مشترک کار و زندگی، از رنج و ستم و استثمارهمانند و از خواست‌ها و نیازهای مشترک کارگران بر می خیزد.

از هنگامی که طبقه کارگر ایران نیز با عرصه حیات نهاد تا به امروز، تلاش‌های مستمری در جهت تقویت این همبستگی و اتحاد و تشکل طبقه کارگر در سازمان‌های صنفی و سیاسی خود از سوی توده های کارگر و به ویژه آگاه ترین و پیشرو ترین بخش کارگران انجام گرفته است. اما طبقات حاکم نیز همواره کوشیده اند این تلاش‌ها را برهم زنند و طبقه کارگر را از داشتن تشکل‌های مستقل و آزاد محروم نمایند. کارگران ایران حدوداً یک قرن پیش به تشکل‌های صنفی

مبارزه طبقاتی و

رهائی زنان (۲۸)

در شماره ۳۹۸ نشریه کار بخش مربوط به بورژوا فمینیست‌ها در روسیه، از کتاب مبارزه طبقاتی و رهائی زنان درج شد. در این قسمت به نقش زنان در جنبش انقلابی روسیه پرداخته می‌شود.

زنان در جنبش انقلابی روسیه

معتبرترین لیست موجود از فعالین انقلابی، لیستی است حاوی اسامی دستگیرشدگان دهه ۶۰ قرن ۱۹ که شامل ۲۰۰۰ نفر می باشد که ۵۶ تن آنان زن هستند، یعنی ۳٪ (Stites- صفحه ۱۶)

در طی دهه ۷۰ همان قرن، نسبت دستگیرشدگان زن به مرد، به نحو قابل ملاحظه ای افزایش یافت. ۷۰۰ نفر از ۵۶۶۴ انقلابی دستگیر شده، زن بودند یعنی بیش از ۱۲٪. سن زنان همچون مردان بین ۲۰ تا ۳۰ سال بود. در مقایسه با مردان، زنان به نسبت بیشتری منشاء اشرافی داشتند. حدود دو سوم کسانی که طی سال‌های ۷۷ - ۱۸۷۳ شدیداً درگیر بودند، وابسته به خانواده‌های اشراف و حداقل

صفحه ۸

جام زهر، گزینه‌ای ناگزیر!؟

چوب باید ارزیابی نمود. اوضاع به قدری حساس، ناپایدار و بی‌ثبات و خطر به قدری نزدیک احساس می‌شود، که هر فرد ویا ارگان وابسته به رژیم می‌کوشد در ثبات بخشیدن به آن و رفع خطر از سر نظام سهمی ادا کند. از سوی افراد و نهادهای وابسته به جبهه دوم خرداد، پی‌درپی اظهار نگرانی می‌شود و هرکس می‌کوشد جناح‌خامنه‌ای را به انجام تعدیلاتی در چارچوب همین نظام و برای تقویت آن متقاعد سازد تا آن را از خطر سقوط و ازهم پاشی نجات دهد.

درفاصله کم‌تر از یک هفته، چندین نفر از افراد سرشناس این جبهه به اظهار نظر پرداختند، ویا نامه‌های سرگشاده‌ای خطاب به حاکمان جمهوری اسلامی و شخص خامنه‌ای نوشتند. بعد از آن که رضاخاتمی نایب رئیس مجلس یکی از سران جبهه دوم خرداد، تهدید کرد چنانچه لوایح دو گانه مربوط به اصلاح قانون انتخابات و اختیارات رئیس جمهوری به تصویب نرسد، نمایندگان وابسته به این جبهه در مجلس استعفا خواهند کرد، سعید حجاریان از دیگر افراد سرشناس این جناح، در مصاحبه‌ای با ایسنا، نه فقط استعفای نمایندگان این جبهه در مجلس، بلکه استعفاء اعضاء دولت را نیز به میان کشید. در پی آن ۱۱۷ تن از افراد درون و بیرون از حاکمیت که از جبهه دوم خرداد حمایت می‌کنند، در نامه‌ای خطاب به "حاکمان" ضمن اشاره به شرایط مخاطره آمیز منطقه و شرایط حساس کشور، در برابر "تهدیدهای جدی خارجی و برون رفت از انسدادهای داخلی" نکاتی را تحت عنوان "نصیحت و هشدار" عنوان نموده‌اند. در این نامه نیز از این که تداوم سیاست‌ها و روش‌های تاکتونی "جناح غیر انتخابی حاکمیت"، کشور را به وضعیتی "غیر قابل اصلاح" برساند، شدیداً اظهار نگرانی شده و ضمن طرح خواست‌هایی چون لغو نظارت استصوابی، تصویب لوایح اصلاح قانون انتخابات و اختیارات رئیس جمهوری، بر "سقوط" محتوم "خودکامی" و "عبثت گرفتن از سرنوشت طالبان و رژیم صدام" نیز تأکید شده‌است. علاوه بر این شخص خاتمی نیز در پایان جلسه هیئت دولت روز چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت، در گفتگو با خبرنگاران اظهار امیدواری نمود که مناقشه مجلس و شورای نگهبان بر سر این لوایح به مجمع تشخیص مصلحت نکشد و در همان مجلس، با آن تعیین تکلیف شود. وی در عین حال بار دیگر از محدودیت اختیارات رئیس جمهوری که از اختیارات یک شهروند عادی هم کمتر است گله نمود و گفت که این مسئله "به هیچ وجه برای من قابل قبول نیست" و بالاخره در مورد احتمال استعفای نمایندگان مجلس نیز اظهار امیدواری نمود که کار به آنجا نکشد! گروهی رئیس مجلس نیز از این موضع دفاع کرد که لوایح دوگانه باید در مجلس، بین نمایندگان و شورای نگهبان حل و فصل شود و توافق به عمل آید.

نمونه دیگر نامه مورخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۷ تا از

تاکید کرد که تمام تلاش و هم و غم جریان دوم خرداد برای تقویت نظام جمهوری اسلامی -ست و تأکید نمود که جریان وی بر "جمهوری اسلامی با همه ابعاد آن پافشاری می‌کند" و اگرگاه اعتراضی در چارچوب قانون اساسی مطرح می‌کند، صرفاً برای تقویت همین نظام و جلوگیری از آسیب دیدن آن است، و در نهایت همه گرایش‌های سیاسی را به کوشش متحدانه در جهت تقویت نظام جمهوری اسلامی و جنبش اصلاح طلبانه دوم خرداد، دعوت نمود، با این همه روشن است که عکس العمل جناح مسلط حکومتی به آنچه که فوقاً به آن اشاره شد خلاصه نخواهد شد و بحران سیاسی بیش از پیش تشدید خواهد گردید.

در لحظه فعلی بسیار بعید است که خامنه‌ای به یک باره دست‌ها را بالا ببرد و "شجاعت" آن را داشته باشد که جام زهر را سر کشد. حتا طبیعی‌تر آن است که باخشم و عتاب با این تحركات برخورد نماید. کما این که در سخنان خود به مناسبت سالگرد مرگ خمینی، این تلاش‌ها و اظهارات را "نتیجه روحیه ترس و عجز" آنان که در جهت "تشویق دشمن گام برمی‌دارند" نامید. پذیرش تغییرات، مسئله ساده و سراسری نیست، بلکه مسئله‌ای است پیچیده که خود می‌تواند عواقب دیگری در پی داشته باشد. بنابراین باید به تدریج عملی شود و به اندکی زمان نیاز دارد. در عین حال این مسئله از یک سو تا حدود خیلی زیادی

به نحوه برخورد ائتلاف امپریالیستی به رهبری آمریکا با جمهوری اسلامی، و از سوی دیگر به جنبش اعتراضی و رادیکال توده‌ای ازپایین به رهبری طبقه کارگر گره خورده است. در هر حال اما اگر قرار باشد عدم انعطاف جناح مسلط حکومتی به بهای سقوط کلیت نظام جمهوری اسلامی تمام شود، مهم‌تر از آن اگر قرار باشد، کار به درهم شکستن مناسبات حاکم بشکند و پای منافع سران رژیم و هست و نیست آن را به میان بکشاند، تردیدی وجود ندارد که در دکم‌ترین سران رژیم هم، ظرفیت و استعداد سازش و هماهنگی با این سیاست‌ها، کشف و زنده خواهد شد و برای حفظ این منافع و مناسبات، چنانچه لازم آید، حتا از اصول و عقاید دینی و مذهبی خود نیز خواهند گذشت. به گفته آن بزرگ مرد تاریخ، اگر "کلیسای عالی انگلستان سی و هشت حمله به اصول سی و نه گانه دین خود را آسان تر می‌بخشد تا تعرض به یک سی و نهم از درآمد خویش" دلیلی برای آن که اسلام خواهان حاکم بر ایران چنین نکنند و برای حفظ مناسبات موجود و منافع اقتصادی خود چشم‌ها بر تعرض به اصول دین خود را نبندند، وجود ندارد. هر چند که این، به هیچ وجه ضرورتاً به معنای پذیرش انجام اصلاحات و تغییراتی به نفع توده‌های زحمتکش مردم نیست.

معهداً معضل جمهوری اسلامی فقط این نیست. مسئله فقط این نیست که نوشیدن جام زهرکار چندان آسانی نیست و کسی که زهر می‌نوشد در همان حال خطر مرگ را نیز می‌پذیرد، معضل در عین حال این هم هست که نوشیدن جام زهر برای نجات رژیم، می‌تواند به عاملی برای سقوط و نابودی آن نیز تبدیل شود! و راز بگیر و ببندهای اخیر و تشدید بیش از پیش فضای خفقان و سرکوب در همین است.

نمایندگان مجلس خطاب به خامنه‌ای است. امضا کنندگان این نامه نیز ضمن اشاره به حساسیت "بی‌مانند" شرایط کنونی، فرصت اندک برای راه‌جویی و "خطر بزرگی" که کشور را تهدید می‌کند، و اظهار نگرانی نسبت به "تهدید خارجی"، "تمامیت ارضی و امنیت ملی کشور" و بالاخره با اظهار تاسف از این که "نخواه‌های خیرخواهانه" و پیشنهادهای "آرام و مکتوم" آنها در سال‌های گذشته، ره به جایی نبرده است، خواستار بی طرفی ارگان‌های زیر نظر رهبری، مثل شورای نگهبان، صدا و سیما، قوه قضائیه و نیروهای مسلح شده‌اند. در این نامه، همچنین، پرهیز از روش‌های اقتدار گرایانه و مرعوب کننده، تمکین به "مردم سالاری واقعی" و "آشتی با مردم" توصیه شده و تصویب لوایح دوگانه نیز، فرصت مناسبی برای این رویکرد قلمداد شده است. علاوه بر این، در نامه گفته شده است که مسئولان حاکمیت در قبال "قصورها و سوء تدبیر" های خود، باید از مردم پوزش خواهی کنند، چرا که تعظیم به مردم، خود سبب جلوگیری از کرنش به بیگانگان خواهد بود. "اگر جام زهری باید نوشید، قبل از آن که کیان نظام و مهم‌تر از آن استقلال و تمامیت ارضی کشور در مخاطره قرار بگیرد باید نوشیده شود!" نویسندگان نامه در عین حال اطمینان می‌دهند که چنین اقدام و برخوردی "بی‌تردید" از سوی "ملت" با همان پاداشی روبرو خواهد شد که "امام عزیز راحل" روبرو شد.

در قبال این اظهار نظرها و تحركات، بدیهی بود که محافل وابسته به جناح مسلط حکومتی ساکت‌نشینند. روزنامه کیهان، طرح استعفا از سوی دوم خردادی‌ها را، "بحران‌سازی کاذب" خواند، تا در پس آن، حقایق، ناکار آمدی و ضعف خود را پنهان سازند و تقصیر را به گردن دیگران بیاندازند. کیهان می‌نویسد بعد از آن که "شعار درمانی" نشود و وعده‌ها به فراموشی سپرده شده و عملی نشده‌است و اکنون که زمان پاسخ‌گویی رسیده است، مسئله استعفا به مثابه فننه راه فرار و راهی از پاسخ‌گویی به مردم عنوان می‌شود. کیهان، استعفا را عملی بسیار نامعقول و غیر قابل پذیرش می‌داند. یک عضو فراکسیون اقلیت مجلس نیز در مورد نامه نمایندگان مجلس به خامنه‌ای، می‌گوید این آقایان که قبل از این نیز با سران سیا و سناتورهای آمریکایی رایزنی کرده‌اند، یا اکثراً مامور آمریکاهستند و یا بعضاً غافل از تغییر و تحولات هستند. قوه قضائیه نیز کسانی را که بخواهند استعفا دهند، تلویحاً مورد تهدید قرار داده است. رحیم صفوی فرمانده سپاه از ۸/۵ میلیون بسیجی مجهز و سازماندهی شده برای "تأمین امنیت داخلی" خبر داد. دستگیری‌ها، احضارها و تعطیل نشریات و محدودیت سایت‌های اینترنتی ادامه دارد. کارگران معترض شدیداً سرکوب می‌شوند. وقایعی که توسط نیروهای بسیجی و امنیتی در دانشگاه‌ها دارد اتفاق می‌افتد، حمله به دانشجویان و سمینارهای دانشجویی، ایجاد مزاحمت و حمله به زنان به بهانه حجاب در استان‌های مختلف کشور، حاکی از تشدید فشار و تقویت جو خفقان و سرکوب سرکوب در کل جامعه است.

گرچه خاتمی در بیانیه‌ای که به مناسبت دوم خرداد صادر نمود، بار دیگر و به صراحت

تشکل‌های مستقل کارگری و ادعاهای پوچ نماینده سازمان بین‌المللی کار

علنی به نمایش بگذارند و به رغم فشار و سرکوبی که همچنان ادامه داشت، قدرتمندترین اتحادیه‌های کارگری خاور میانه را ایجاد کنند. همواره رابطه مستقیمی میان شکل‌گیری اتحادیه‌های علنی و آزاد و مستقل با آزادیهای سیاسی ولو در شکل محدود آن وجود دارد. لذا دوام و بقاء این اتحادیه‌ها نیز همانند دوره کوتاه پیش از به قدرت رسیدن رضا خان، تا زمانی ممکن بود که کارگران از حداقل آزادی‌های سیاسی برخوردار بودند. با کودتای ۲۸ مرداد و برقراری رژیم ترور و خفقان، اتحادیه‌های کارگری مستقل نیز سرکوب و برچیده شدند. معهذاً طبقه حاکم و رژیم شاه، اتحادیه‌های کارگری وابسته به خود را ایجاد نمودند و سپس کوشیدند از طریق برنامه‌هایی نظیر سهیم کردن کارگران در سود و سهام کارخانه‌ها، بذرتوهمات بورژوازی و خرده بورژوازی را در میان کارگران بپاشند و چنانچه بتوانند قشری از اشرافیت کارگری پدید آورند که تکیه‌گاه آنها در این اتحادیه‌های دولتی باشد. اما این برنامه آنها نتوانست توفیقی به دست آورد. کارگران به این اتحادیه‌های فرمایشی پشت کردند و پیش‌روترین کارگران، تشکل‌های مخفی و نیمه مخفی خود را داشتند. در برخی موارد حتی یک تشکل دولتی رابه وسیله‌های علیه خود سرمایه داران و دولت تبدیل نمودند.

باردیگر با انقلاب ۱۳۵۷ بود که موج خود جوش تشکل‌های کارگری آغاز گردید. به رغم دست به دست شدن قدرت حاکمه و استقرار جمهوری اسلامی، از انجایی که توده‌های مردم آزادی را با نبرد علیه رژیم شاه و ابتکار عمل خود به کف آورده بودند، جمهوری اسلامی به فوریت نمی‌توانست آزادیهای سیاسی را از مردم سلب کند و دوسالی طول کشید تا بتواند ضربه نهایی خود را وارد آورد.

کارگران با شور زاید الوصفی در این دوره به سوی مبارزه سیاسی روی آوردند و برای شکل دهی به تشکل‌های عمدتاً سیاسی خود تلاش نمودند. کارگران در این دوره که از ماهها قبل از قیام بهمن ماه آغاز گردید، کمتر به ایجاد تشکل‌های اتحادیه‌ای تمایل داشتند. وجود اتحادیه‌های فرمایشی رژیم شاه در این روی گردانی کارگران از اتحادیه‌ها موثر بود. اما عامل تعیین کننده نبود. آنچه که در این میان تعیین کننده بود، اوضاع سیاسی و پیدایش پدیده شورا بود که کارگران آن را موثرترین و در دسترس‌ترین وسیله برای متشکل شده و پیش برد مطالبات و اهداف خود یافتند.

شورا هر لحظه در دسترس کارگران بود. فعالیت آن از طریق مجامع عمومی کارگری واری و کنترل می‌شد. در همین مجامع عمومی حتی سرمایه داران و مدیران را به محاکمه می‌کشیدند. از طریق شورا نوعی کنترل کارگری را برقرار کرده بودند که البته حیطة عمل آن در کارخانه‌های مختلف با توجه به نقش کارگران پیشرو، مالکیت کارخانه و بالاخره موقعیت رژیم جمهوری اسلامی متفاوت بود. کارگران در همان حال برای ایجاد یک تشکل سراسری از اتحاد شوراها تلاش می‌کردند. علاوه بر این پیشروترین کارگران ایران در سطحی

وسیع خود را در تشکل‌های کمونیست سازمان می‌دادند. در این دوره تنها کارگران بخش صنوف بودند که به علت پراکندگی در کارگاه‌های کوچک و سنت‌های سندیکایی در درون کارگران این بخش، اتحادیه‌های محدودی را شکل دادند.

نقشی که شوراها در کارخانه‌ها و در میان کارگران پیدا کردند، چنان بزرگ بود که سرمایه داران و رژیم پاسدار منافع آنها را به وحشت انداخت. لذا سرکوب شوراها در دستور کار قرار گرفت. رژیم برای متلاشی کردن شوراها به دو شیوه متوسل گردید. در هر کجا که گرایش رادیکال و کمونیست قوی بود، انحلال شوراها را به مرحله اجرا در آورد. پیشروترین کارگران را اخراج و حتی دستگیر و به زندان انداخت و به جای آن تشکل دست ساز و فرمایشی خود را به نام شوراها، اسلامی ایجاد نمود. با توجه به این که در آن مقطع هنوز بخش قابل ملاحظه‌ای از کارگران مذهبی به رژیم توهم داشتند، در آن دسته از کارخانه‌ها و موسسات که این گرایش قوی بود، رژیم کوشید از طریق بسیج کارگران حزب‌اللهی، شوراها را از درون تخریب کند. بنا بر این تدریجاً شوراها را به عنوان یکی از مهم‌ترین تشکل‌های این دوره از پای در آورد و تشکل‌های فرمایشی خود را به نام شوراها، اسلامی دایر کرد که به همراه انجمن‌های اسلامی، متحداً وظیفه حمایت از رژیم و حراست از نظم سرمایه داری را برعهده گرفتند. مدت زمانی طولانی نگذشت که اکثریت عظیم کارگران مذهبی هم، توهمشان نسبت به رژیم از میان رفت و آنها نیز صفوف شوراها، فرمایشی رژیم را ترک کردند. اکنون یک بار دیگر، کارگران به سوی تشکل‌های مخفی و البته محدود و یاتشکل‌های پوششی نیمه علنی روی آوردند. نقش اصلی را در سازماندهی مبارزات کارگران در طی این دوره، این تشکل‌ها که عمدتاً از کارگران پیشرو آگاه تشکیل شده‌اند، برعهده داشته‌اند.

با بی‌اعتباری و منفرد شدن روز افزون شوراها، اسلامی کار در میان کارگران، تاریخ مصرف آنها نیز برای سرمایه داران و رژیم پاسدار منافع آنها سپری شد. لذا از همان دوره زمام داری رفسنجانی، زرمه‌های برچیدن این تشکل‌ها آغاز گردید. به اجرا در آوردن برنامه‌های اقتصادی-بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در ایران، این روند را تسریع نمود. نه از این زاویه که گویا پیش برد این سیاست، در عصر ارتجاع سیاسی، آزادی و دمکراسی را می‌طلبد، بلکه از آن جهت که سرمایه نیازمند ارگان‌هایی و تشکل‌هایی است که بتوانند کارگران را مهار کنند و همچون شوراها، اسلامی بی‌اعتبار و رسوا نباشند. علاوه بر این، رژیم جمهوری اسلامی برای پیشبرد مقاصد خود در کارخانه‌ها و موسسات در مراحل اولیه شکل دادن به شوراها، اسلامی، اختیاراتی برای دخالت در امور آن موسسه و کارخانه به رسمیت شناخته بود، که دیگر با این مرحله سازگاری نداشت. بنابراین از وقتی که خاتمی عهده دار پست ریاست جمهوری رژیم شد و "اصلاح طلبان" زمام امور را در دست گرفتند، جایگزین کردن شوراها، اسلامی با سندیکا به یک مسنه فوری‌تر تبدیل شد. چنان چه می‌دانیم

اصلی‌ترین وظیفه‌ای که "اصلاح طلبان" حکومتی به رهبری خاتمی برای خود قائل بودند، کنترل و مهار جنبش توده‌ای و نجات رژیم از بحران ژرف موجود بود. اما در همین دوره است که مبارزات خودانگیخته کارگران چنان ابعادی به خود گرفته که در طول تمام دوران تاریخ جنبش کارگری ایران بی‌سابقه است. اکنون حدود یک دهه است که کارگران دست به هزاران مورد حرکت اعتراضی زده‌اند. اعتصاب در ایران ممنوع است، اما کارگران در صدها مورد این ممنوعیت رادرم شکسته‌اند. راهپیمایی و تظاهرات و گرد هم آیی در ایران ممنوع است، اما کمتر هفته و ماهی می‌گذرد که کارگران در مقابل مراکز دولتی، کارخانه‌ها و میادین شهرها تجمع اعتراضی بر پا نکنند. روزمره، حتا روزنامه‌های وابسته به رژیم از راهپیمایی‌ها، تظاهرات، بستن خیابان‌ها و جاده‌ها توسط کارگران، خبر می‌دهند. این کارگران فاقد تشکل علنی و رسمی هستند. آنها هیچ اعتباری برای شوراها، اسلامی، خانه کارگر و مقولاتی از این دست قائل نیستند. مهار این کارگران معترض با سرکوب و بگیر و ببند هم ممکن نشده است. لذا رژیم و البته در وهله نخست جناح طرفدار خاتمی می‌خواهند با قراردادن سندیکاها به جای شوراها، اسلامی، به نحوی از انحاء وسیله‌ای برای مهار این جنبش پیدا کنند. اما این تلاش رژیم جنبه دیگری نیز دارد. با افزایش حجم صدور سرمایه‌های بین‌المللی به ایران در درون خاتمی، فشار نهادهای بین‌المللی سرمایه مالی، برای برچیدن شوراها و انجمن‌های اسلامی بیشتر شده است.

اکنون در هر کجا که سرمایه کلانی به جریان می‌افتد، دیگر چیزی به نام شوراها، اسلامی و انجمن اسلامی وجود ندارد. اساساً یکی از مفاد قراردادهای مربوط به سرمایه‌گذاری‌ها نیز همین است. اما به هر حال از زاویه حفظ منافع سرمایه، وجود تشکلی منطبق با نیازها و خواست سرمایه، امری ناگزیر است. در اینجا است که سازمان بین‌المللی کار به عنوان یک نهاد بین‌المللی که برای سازش کار و سرمایه تلاش می‌کند، وارد صحنه می‌شود. سازمان بین‌المللی کار از مدتی پیش وارد مذاکراتی جدی با رژیم شده است، تا آن رادرا نطبق با نیازهای جدید سرمایه یاری رساند.

در ادامه همین مذاکرات و رفت و آمدها بود که در اواخر اردیبهشت ماه موافقت نامه‌ای میان وزارت کار و امور اجتماعی حکومت اسلامی و نماینده سازمان بین‌المللی کار به امضاء رسید که اساس آن تغییراتی در فصل ششم قانون کار است، به نحوی که سندیکا بتواند جایگزین شورای اسلامی کار شود.

برنارد جرنیگان که به نمایندگی از سازمان بین‌المللی کار این سند را امضاء کرد، به خبر نگاران گفت که "اصول کلی این بیانیه بر حق انتخاب و استقلال سازمان‌های کارگری و کار فرمایی و فعالیت آزادانه آنها تاکید دارد." وی افزود "نقش و وظایف سندیکاها از وظایف شوراها، اسلامی کار جدا شده و سندیکاها از حق نمایندگی کارگران به ویژه در انجام مذاکرات جمعی برخوردار شده و پس از تهیه

اخبار کارگری جهان

* موج اعتصابات در برزیل

اواخر ماه آوریل، موج وسیعی از اعتصابات کارگری تمام صنایع اتومبیل سازی برزیل را در بر گرفت. هرچند این اعتصابات در چندین کارخانه مختلف صورت گرفت، اما خواست کارگران در این حرکات اعتراضی نشان از یک سیاست واحد و مشخص داشت. ابتدا بیش از ۲۵۰۰ نفر از کارگران کارخانه رنو در شهر سائوپولو کارها را تعطیل کرده و خواستار افزایش پاداش و کاهش ساعات کار هفتگی از ۴۲ ساعت به ۴۰ ساعت شدند. هنوز چند روز از آغاز این اعتصاب نگذشته بود که بیش از ۱۵۰۰ نفر از کارگران کارخانه وانت سازی ولوو بیکپارچه دست از کار کشیده و خواهان افزایش پاداش های خود و کاهش ساعات کار هفتگی شدند. گسترش اعتصابات کارگری اما به این دو کارخانه محدود نشد و بلافاصله پس از آغاز اعتصاب کارگران ولوو بیش از ۱۰۰۰ نفر از کارگران کارخانه اتومبیل سازی فولکس واگن در شهر سائوپولو کارهای خود را تعطیل کردند. بزرگ ترین اعتصاب در کارخانه اتومبیل سازی جنرال فورد انجام گرفت که طی آن بیش از ۱۰ هزار نفر از کارگران چند کارخانه متحدا و همزمان دست از کار کشیده و همچون هم زنجیران خود در دیگر کارخانه ها، خواستار افزایش پاداش ها و کاهش ساعات کار هفتگی شدند. این موج اعتصابات با پیروزی کارگران همراه بود و در چندین کارخانه تنها چند روز پس از آغاز مبارزه یک پارچه اعتصابیون، سرمایه داران راه چاره را در عقب نشینی و گردن گذاشتن به خواسته های کارگران دیدند. اما مدیریت جنرال موتورز تلاش بیشتری نمود تا با خواست کارگران مخالفت نموده و به همین دلیل مبارزه کارگران در این کارخانه ها مدت بیشتری به طول انجامید. مذاکرات میان نمایندگان دو طرف در این کارخانه ادامه دارد. اما کارگران اعلام نمودند که در صورت کارشکنی های بیشتر نمایندگان مدیریت، در روزهای آینده، دست به یک اعتصاب نامحدود خواهند زد.

* اعتصاب کارگران اتریش

اوایل ماه مه، دولت اتریش طرح جدید خود مبنی بر افزایش سن بازنشستگی از ۶۰ سال به ۶۵ سال را اعلام نمود. به گفته مقامات دولت دست راستی این کشور، میلیون ها کارگر و کارکنان بخش های مختلف دولتی و خصوصی پس از ۴۵ سال حق بازنشستگی خواهند داشت. علاوه بر این بر طبق همین طرح، سهم بازنشستگی کارگران نیز بیش از گذشته افزایش یافته و کارگرانی که بخواهند زودتر از موعد مقرر بازنشسته شوند، وادار به پرداخت هزینه های زیادی خواهند شد. این تجاوز آشکار به حقوق میلیون ها انسان، موجی از خشم و نارضایتی را در این کشور به راه انداخت. اولین نشانه های مقاومت توده ای در مقابل اجحافات آشکار دولت سرمایه داران ۱۲ ماه می آشکار شد. در این روز میلیون ها

کارگر و کارمند در سر کار حاضر شدند. اما به دعوت شورای سراسری اتحادیه های کارگری پاسخ مثبت گفته و از کار کردن خود داری نمودند. اعتصابیون در این روز به صدر اعظم اتریش هشدار دادند که در صورت ادامه تلاش های دولت برای تصویب این لایحه ضد انسانی، روز ۱۳ می اتریش را به تعطیل می کشانند. با ادامه بی اعتنایی دولت به هشدار کارگران، روز ۱۳ می، نزدیک به ۱/۵ میلیون نفر از کارگران و کارکنان موسسات مختلف دولتی و خصوصی به دعوت شورای سراسری اتحادیه های کارگری، OeGB دست به اعتصاب ۲۴ ساعته زدند. این اولین اعتصاب عمومی ظرف ۵۰ سال گذشته بود. در اولین ساعات آغاز این اعتصاب عظیم، هزاران کارگر راه آهن صدها قطار مسافر بری را متوقف کردند و کلیه وسایط نقلیه حمل و نقل مسافر در شهرها نیز به طور کامل متوقف شد. در این روز خیابان های وین و چندین شهر دیگر به صحنه ابراز مخالفت میلیون ها انسان علیه تجاوزات آشکار سرمایه داران تبدیل شد. با این اعتصاب عظیم، کارگران اعلام نمودند که به شروط سرمایه داران اتریش گردن نگذاشته و تا پیروزی کامل به مبارزه خود ادامه خواهند داد.

* مبارزه علیه امپریالیست ها ادامه دارد

هنوز چند روزی از اشغال عراق توسط ارتش مهاجم ائتلاف امپریالیست ها به سرکردگی آمریکا نگذشته بود، که سردمداران سرمایه در اروپا به فکر تجدید آرایش سیاسی و آماده سازی خود برای شرکت هرچه موثرتر در غارت و چپاول توده های فقر زده عراق افتادند. نخستین گام در این راستا برپایی اجلاس سران بازار واحد اروپا در آتن بود. با آغاز حمله نظامی امپریالیست ها به عراق شکاف میان کشورهای بزرگ اروپا حول شرکت و یا عدم شرکت در این لشکرکشی عمیق تر شد و کار به جایی رسید که عملاً تماس های دیپلماتیک میان دولت های مخالف و موافق جنگ به حداقل رسید. اما اکنون با پایان یافتن حملات نظامی باید سرمایه اروپایی هم در فکر سهم خود از غارت عراق باشد و این کار هم به عهده نشست آتن واگذار شد. اما اگر نمایندگان سرمایه تصور می کردند که با پایان حملات نظامی، اعتراضات ضد جنگ هم در کشورهای مختلف جهان فروکش خواهد کرد، اجلاس آتن این خواب سرمایه داران را به کابوس مرگ تبدیل کرد. در روزهای برگزاری این اجلاس، یعنی روزهای ۱۶ و ۱۷ آوریل، دهها هزار نفر از مخالفین جنگ خیابانهایی شهرهای بزرگ یونان به ویژه آتن را به اشغال خود درآورده و نشان دادند که جنبش ضد جنگ با تمام توان به مبارزات خود علیه امپریالیست ها ادامه خواهد داد. هرچند دولت یونان بیش از ۱۰ هزار مامور پلیس را برای حفظ نظم و آرامش نشست سرمایه داران به خیابان های اطراف محل برگزاری این اجلاس در شهر آتن گسیل کرده بود، اما صف طولی راهپیمایان این حافظان نظم سرمایه را وادار نمود که به پشت سیم های خاردار اطراف محل برگزاری این اجلاس خزیده و از رویارویی مستقیم با تظاهر کنندگان پرهیز کنند. دهها هزار نفر مخالف جنگ در روز ۱۶ آوریل ابتدا در مقابل دفتر هواپیمایی انگلیس تجمع کرده و سپس به



سمت سفارت انگلیس، ایتالیا و بالاخره سفارت آمریکا راهپیمایی کردند. راهپیمایان باندول بزرگی را که بر روی آن نوشته شده بود "جنایتکاران امپریالیست" در پیشاپیش صفوف خود حمل کرده و با پخش هزاران تراکت و اطلاعیه انزجار خود را از این جنگ جنایت کارانه به نمایش گذاشتند.

دولت یونان برای جلوگیری از پیوستن میلیون ها دانش آموز و دانشجوی به صفوف راه پیمایان، روز ۱۶ آوریل را تعطیل عمومی اعلام نمود و تمام نقاط مرکزی شهر آتن را به بهانه حفظ نظم و امنیت این اجلاس به روی تظاهر کنندگان بسته بود، اما به رغم تمام این تشبیهات جنبش ضد جنگ باردیگر توانست صدای اعتراض خود را به گوش جهانیان برساند. علاوه بر این، روز بعد، دانش آموزان و دانشجویان کلاس های درس را تحریم کرده و دهها هزار نفر از آنان به نشانه اعتراض به حضور قاتلان مردم عراق در شهر آتن، به صفوف تظاهر کنندگان پیوستند.

* اعتصاب کارگران در شرق آلمان

۱۳ سال پیش زمانی که یک رشته از کشورهای اروپای شرقی یکی پس از دیگری راه فروپاشی را در پیش گرفتند، بازار سرمایه گرم بود و سرمایه داران آبابی نداشتند که با وعده و وعید سراسر دروغ، توده های ناراضی و زحمت کش در این کشورها را فریب داده و پیشبرد سیاست های مطلوبیشان را تنها راه نجات آنها جلوه دهند. اکنون نزدیک به ۱۴ سال از آن روزها گذشته است، اما هنوز آتن "بهشت موعود" سرمایه خبری نیست و تمامی این کشورها با معضلات لاینحل اقتصادی مواجه هستند. برای مثال می توان از جمله به آلمان شرقی اشاره کرد که اوضاع تفاوت اساسی با دیگر کشورهای اروپای شرقی ندارد. کارگران بخش شرقی آلمان هنوز تبلیغات سرمایه داران را فراموش نکرده و می دانند که قرار بود به فوریت دستمزد ها به سطح دستمزد کارگران بخش دیگر آلمان افزایش یافته و شرایط کار آنها مشابه هم زنجیران خود در بخش دیگر آلمان شود. اما گذشت این سالها به کارگران آلمان شرقی نشان داد که برای تحقق این مطالبات راهی صعب و طولانی در پیش است و دیگر نباید فریب تبلیغات سرمایه را خورد. در همین راستا از اوایل ماه می امسال، اتحادیه کارگران فلزکار آلمان، IG Metal، یک کمیته سراسری را برای کاهش ساعات کار هفتگی در این بخش از آلمان آغاز نمود. به همین مناسبت بیش از ۴ هزار نفر از کارگران بخش جنوب شرقی آلمان در روز ۶ ماه می، در یک رشته از موسسات صنعتی دست از کار کشیدند و اعتراض خود به شرایط موجود را به نمایش گذاشتند. در حالی که کارگران در سوی دیگر آلمان هفته ای ۳۵ ساعت کار می کنند، کارگران بخش شرقی این کشور بعضاً تا ۳۹ ساعت کار کرده و دستمزد آنان نیز کمتر از کارگران غرب آلمان است. این در حالی ست که سهم این کارگران از بیکاری نیز بیشتر از سهم کارگران در غرب آلمان است. در مقابل این اعتراضات، سرمایه داران به همان تبلیغات گذشته متوسل شده و کاهش ساعات کار هفتگی را برای رشد

تشکل‌های مستقل کارگری و ادعاهای پوچ نماینده سازمان بین‌المللی کار

آئین نامه های اجرایی این طرح، به عنوان نمایندگان کارگران به مذاکرات سه جانبه حضور خواهند داشت. و سرانجام این که به گفته وی، این همه از آن روست که "شاهد اراده واقعی دولت ایران برای اجرای استانداردهای بین‌المللی بودیم". "هرچند که ایران هنوز قانون آزادی فعالیت سندیکاها را تصویب نکرده است ولی ابراز علاقه ای که برای این امر و رعایت استانداردهای بین‌المللی وجود دارد، انگیزه و دیدگاه مثبتی را در سازمان بین‌المللی کار به وجود آورده است."

پس، از این قرار، مهم‌ترین دست آورد سازمان بین‌المللی کار و نماینده آن، توافق بر سر "حق انتخاب و استقلال سازمان های کارگری و کارفرمایی و فعالیت آزادانه آنها" است. تردیدی نیست که سازمان های کارفرمایی تاکنون از استقلال و فعالیت آزادانه برخوردار بوده و پس از این نیز برخوردار خواهند بود. اما ببینیم استقلال سازمان های کارگری و فعالیت آزادانه آنها یعنی چه و آیا اساسا می توان از چنین چیزی که لابد در اینجا منظور همان تشکل سندیکایی ست، سخنی به میان آورد. وقتی که ما از تشکل مستقل صحبت می کنیم، می توان سه تعبیر از آن ارائه داد. نخست استقلال یک تشکل از دولت. این بخشی از آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم است که حق دارند آزادانه و بدون اجازه گرفتن از دولت یک تشکل به وجود آورند و دولت حق دخالت در آن را ندارد. بنابراین کارگران نیز باید از این حق برخوردار باشند که آزادانه تشکل‌های خود را مستقل از دولت ایجاد کنند. یکی از این تشکل‌ها سندیکا یا اتحادیه است. اما حق ایجاد تشکل های مستقل و فعالیت آزادانه، الزاما به معنای استقلال طبقاتی کارگران نخواهد بود. تشکل های اتحادیه ای کارگران در اروپا بر طبق تعبیر نخست تشکل های مستقل کارگری هستند و لوازمی که مستقیم و غیر مستقیم وابسته به حزبی سوسیال دموکرات یا حاد دموکرات مسیحی باشند که در قدرت قرار دارد. معذرت این تشکل‌ها از این جهت که استقلال طبقاتی کارگران را تامین نمی کنند بلکه بالعکس در خدمت سیاست های بورژوازی قرار دارند، به این اعتبار تشکل مستقل کارگری محسوب نمی شوند. با این وجود کسی نمی تواند از زاویه حقوق و آزادیهای سیاسی یک جامعه بورژوازی به آن اعتراض کند. مبارزه کمونیست ها برای تامین استقلال طبقاتی کارگران و ایجاد سندیکاهای سرخ، از مقوله دیگری ست که به مبارزات درونی جنبش کارگری مربوط می گردد. ایضا تعبیر دیگری نیز از مقوله تشکل مستقل می توان ارائه داد که به تعبیر اول و دوم مربوط نیست بلکه بحثی ست در مورد سیاست کمونیستی در قبال تشکل های غیر حزبی کارگران.

حزب کمونیست، عالی‌ترین شکل سازمانی تشکل کارگران و تامین کننده استقلال طبقاتی آنهاست. اما همانا وظیفه اصلی که حزب برعهده دارد، ایجاد می کند که توده‌های وسیع کارگر در تشکل‌های غیرحزبی متشکل شوند و این تشکل‌ها خواه سیاسی

باشند یا صنفی، شوراها باشند یا اتحادیه‌ها و تعاونی‌ها و غیره، باید مستقل از حزبی باشند که به عالی‌ترین شکل ممکن، کارگران را نمایندگی می کند. این استقلال البته نافی این نیست که حزب کمونیست تلاش خواهد کرد این تشکل‌های غیر حزبی صحیح ترین و رادیکال ترین سیاست را داشته باشند. اشاره ضمنی به این بحث در این مقاله از آن روست که در جنبش کمونیستی و کارگری ایران برخی افراد بی اطلاع می کوشند مطالبه تشکل های مستقل را با سیاست تشکل مستقل قاطی کنند و بالاخره هم معلوم نمی شود که منظور آنها از تشکل مستقل چیست؟ به هر رو بحث نماینده سازمان بین‌المللی کار در مورد تشکل مستقل و فعالیت آزادانه روشن و مشخص است و مطالبه‌ای ست مربوط به آزادی-های سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم. اما دقیقاً از همین زاویه است که وی بی‌اعتباری ادعاهای خود را نشان می دهد.

چگونه ممکن است در کشوری که ابتدایی ترین آزادی‌های سیاسی و حقوق مدنی مردم لگد مال شده است، در کشوری که حتا بی آزارترین اپوزیسیون بورژوازی قانونی رژیم از حق ایجاد تشکل سیاسی و فعالیت آزادانه محروم شده است، و فراتر از آن اعضای سهیم در حاکمیت سیاسی اش هر روز سروکارشان با دادگاه است، نشریاتشان توقیف می شود و گاه از حرف زدن نیز می ترسند، کسی پیدا شود و بگوید، یک چنین رژیمی حق ایجاد تشکل مستقل و فعالیت آزادانه را برای طبقه کارگر به رسمیت شناخته است؟ دروغی بزرگ‌تر از این و ادعایی پوچ تر از این ممکن نیست. البته برای کسی که از ابراز علاقه دیکتاتوری عریان حاکم بر ایران به رعایت حقوق مردم، از جمله همین حق تشکل و رعایت استانداردهای بین‌المللی و لابد در زمینه رعایت حقوق کارگران سخن بگوید، دور از ذهن نیست که بگوید، جمهوری اسلامی حق تشکل مستقل و فعالیت آزادانه را برای طبقه کارگر ایران به رسمیت شناخته است. این راهم ناگفته نگذارد که "ایران هنوز قانون آزادی فعالیت سندیکاهارا تصویب نکرده است." با این وصف حق تشکل مستقل و فعالیت آزادانه را به رسمیت شناخته است یا در حال به رسمیت شناختن است و امضاء خود را پای توافق نامه قرار داده است.

البته تردیدی نیست که رژیم یا لاقلاً جناحی از آن واقعا می خواهد، سندیکاراجایگزین شورای اسلامی کار کند. دلایل آن نیز پیش از این توضیح داده شد. اما بر پیشانی سندیکا نوشته نشده است که هر سندیکایی تشکل مستقل کارگران است. سندیکایی را که رژیم ایجاد کند و نه خود کارگران و با ابتکار عمل خودشان، واقعا تشکلی غیر مستقل، وابسته به دولت و فرمایشی ست. در دوران رژیم شاه هم همین نوع سندیکا وجود داشت. چه کسی باید این سندیکاهارا ایجاد کند؟ لابد یا وزرات کار رژیم خود مستقلا باید دست به کار شود و کادر های اجرایی آن هم ماموران دولت و یا اعضای انجمن‌های اسلامی و شوراهای اسلامی خواهند بود و یا خانه کارگر و شورا های

اسلامی اسمشان را عوض می کنند و می گذارند، سندیکا و فدراسیون و کنفدراسیون کارگری. مگر همین آقای نماینده سازمان بین‌المللی کار نمی گوید که این توافق از جمله پس از مذاکره با نمایندگان کارگران ایران به دست آمده است؟ لابد نمایندگانی که وی از آنها سخن می گوید، اعضای کانون عالی شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر و عناصری از این قماش اند. با تغییراتی در قانون کار، همین افراد به نمایندگی از طبقه کارگر در ایران، تشکل مستقل طبقه کارگر راهم ایجاد می کنند! اما سوای این که توافق برای ایجاد سندیکا به جای شوراهای اسلامی هنوز روی کاغذ است، با فرض ایجاد آن توسط رژیم، معضل همچنان به جای خود باقی خواهد ماند. طبقه کارگر ایران به مبارزه خود برای کسب حق ایجاد تشکل های مستقل کارگری و فعالیت آزادانه ادامه خواهد داد و از آن جایی که این خواست کارگران و بسیاری از خواست‌های دیگر آنها بدون کسب آزادیهای سیاسی ممکن نیست، مبارزه طبقه کارگر ایران برای به دست آوردن آزادی‌های سیاسی در نبرد سرنوشت ساز با رژیم جمهوری اسلامی به نتیجه خواهد رسید. طبقه کارگر ایران تنها با وجود آزادی - ست که می تواند با ابتکار عمل خود، تشکل های مستقل و علنی خود را ایجاد کند. شرایط حصول به این آزادی می تواند متفاوت باشد. ممکن است شرایطی پیش آید که حتا قبل از سرنگونی رژیم، توده های مردم آزادی های سیاسی را با مبارزات خود در کوچه و خیابان و کارخانه به دست آورند، درست همانند قبل از سرنگونی رژیم شاه که توده های مردم به پا خاسته با ابتکار عمل خود آزادی های سیاسی را به دست آورده بودند و از رژیم شاه هم کاری ساخته نبود، جز این که بگوید صدای انقلابتان را شنیدم.

با این آزادیهای سیاسی با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان به دست خواهد آمد و با بالاخره ممکن است شرایط دیگری پیش آید که بورژوازی ناگزیر باشد، حتا برای مدتی کوتاه هم که شده در محدوده ای آزادی های سیاسی را به رسمیت بشناسد. در چنین وضعیتی -هایی ست که امکان پدید آمدن تشکل های مستقل توده ای علنی وجود خواهد داشت. تا فرارسیدن آن زمان، کارگران تنها می توانند در هسته ها و کمیته های مخفی کارخانه که طبیعتاً فراگیر نیستند، بلکه بیشتر در برگیرنده پیشروترین، آگاه ترین و فعال ترین کارگران هستند و نیز تشکل‌های پوششی علنی و نیمه علنی فرهنگی، ورزشی، کمک متقابل و غیره به مبارزه خود ادامه دهند. این چیزی ست که هم اکنون نیز وجود دارد. بدیهی ست که این همه اعتصاب، راهپیمایی، تظاهرات و گردهم آیی کارگران، نمی تواند بدون یک حداقل سازماندهی صورت بگیرد. نیروی اصلی سازماندهی و رهبری این مبارزات نیز همین هسته ها و کمیته های مخفی کارخانه اند که پیشروترین کارگران را در صفوف خود متشکل ساخته اند. از درون همین تشکل ها و مبارزات طبقاتی کارگران است که بالاخره تشکل های توده ای مستقل کارگری پدید خواهند آمد.

اخباری از ایران

* تداوم اعتراضات کارگران چیت سازی

کارگران کارخانه چیت سازی بهشهر، روز ۲۲ اردیبهشت، باردیگر دست به اعتراض و راهپیمایی زدند و خواستار پرداخت حقوق و مزایای عقب افتاده خود شدند. به دنبال چندین تجمع اعتراضی کارگران چیت سازی بهشهر در فروردین ماه، به ویژه بعد از راهپیمایی کارگران در خیابان های این شهر که به یک اعتراض و تظاهرات ۲۵ هزار نفره فرارونید، مسئولین اجرایی رژیم، وعده دادند به خواست کارگران رسیدگی کنند. اما از آنجا که این وعده ها متحقق نشد، کارگران باردیگر دست به اعتراض و راهپیمایی در خیابان های شهر زدند که در اثر آن عبور و مرور و وسائل نقلیه در سطح شهر متوقف گردید و اختلال هایی نیز در جاده سراسری مازندران به مشهد ایجاد گردید. معهدا از آنجا که بازم به خواست های کارگران رسیدگی نشد، کارگران چیت سازی در ادامه اعتصابات و اعتراضات پی در پی خود، از روز پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت دست به اعتصاب غذا زدند. اعتصاب غذا ابتدا با شرکت ۹ کارگر آغاز شد، روز بعد به ۲۰ نفر و روزهای بعد همگانی شد و صدها تن از کارگران در محل کارخانه دست به اعتصاب غذا زدند. فرماندار بهشهر، ضمن تهدید کارگران، در کمال بی شرمی گفت که فقط عده ای از کارگران هستند که دنبال متنسج کردن جو شهر هستند. وی در عین حال گفت، زمین های کارخانه دارد برای فروش آماده می شود و از محل فروش آن مطالبات کارگران پرداخت می شود و یا قطعات زمین به کارگران داده می شود. لازم به ذکر است که حدود ۲۰۰۰ کارگر چیت سازی بهشهر بیش از دو سال است که سرگردان و بلاتکلیف اند. کارگران خواهان پرداخت تمام مطالبات معوقه، ادامه کاری و تضمین شغلی اند. آخرین خبرها حاکی از آن است که اعتصاب غذای کارگران همچنان ادامه دارد و در عین حال ۸ تن از کارگران به علت وخامت وضعیت جسمی به بیمارستان هلال احمر و مرکز فوریت های پزشکی منتقل شده اند.

* اعتراض کارگران کارخانه کشمیر

روزیکشنبه چهارم خرداد، کارگران کارخانه کشمیر کرمانشاه، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایای خود، در برابر اداره کار، دست به تجمع و تحصن زدند، مدیر کل کار و امور اجتماعی استان، ضمن حضور در جمع کارگران معترض، اظهار امیدواری کرد که از محل فروش قسمتی از زمین

- های کارخانه، حقوق و مزایای معوقه کارگران پرداخت شود. نام برده وعده داد که در یک جلسه اضطراری با حضور نمایندگان کارگران و مسئولین کارخانه، به مشکلات کارگران رسیدگی شود.

شایان ذکر است که ۳۳ تن از کارگران باز نشسته و نیز ۱۴۵ کارگر این کارخانه مدت ۷ تا ۹ ماه است که هیچگونه حقوق و مزایایی دریافت نکرده اند.

* اعتراضات دانشجویی

- روز پنجشنبه اول خرداد، دانشجویان دختر دانشکده مهندسی سیرجان (وابسته به دانش گاه کرمان) در اعتراض به کمبود امکانات و مشکلات متعدد آموزشی و رفاهی از جمله وضعیت نابسامان و غیر بهداشتی بودن سلف سرویس، در محل سلف سرویس این دانشکده دست به تجمع زدند. مسئولین دانشکده قول دادند به خواست ها و مشکلات دانشجویان رسیدگی کنند.

- نزدیک به ۲۰۰ تن از دانشجویان دانشگاه کرمان، در اعتراض به سیاست های جدید وزارت علوم و نیز بالا بودن میزان شهریه و هزینه تحصیل، در حالی که هیچ تضمینی برای اشتغال آنها پس از پایان تحصیل، وجود ندارد، دست به تجمع اعتراضی زدند و با امضاء طوماری خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند.

- بنا به خبرگزاری ایسنا، در پی تاخیر اتوبوس هایی که برای اعزام دانشجویان مجتمع آموزش عالی ملایر به نمایشگاه بین المللی کتاب در نظر گرفته شده بود، دانش جویان، با تجمع و تحصن در دفتر معاون دانشگاه، دست به اعتراض زدند. به دنبال جواب های سربالا و برخورد بد معاون دانش گاه، دانشجویان بر شدت اعتراض خود افزودند و ضمن سردادن شعار "تصیری نصیر استعفا استعفا" با آجر و گچ، ورودی دفتر معاون دانشگاه را دیوار کشی کردند. به دنبال این مسئله، رئیس مجتمع، خود را به محل رساند. اما دانشجویان گفتگو با وی را بی فایده اعلام کردند و برای پاسخ گویی به خواست ها و نیازهای آموزشی و رفاهی، به تحصن و تجمع خود ادامه دادند و خواستار حضور مسئولان دانشگاه برای پاسخگویی شدند. در این اثنا نیروهای انتظامی و سرکوب که به محل و خیابان های اطراف دانشگاه آمده بودند، سعی کردند دانشجویان را به ضرب باتوم و با ماشین آب پاش، متفرق سازند. در جریان این درگیری ها، شماری از دانشجویان و نیز یک تن از نیروهای سرکوب مجروح شدند.

کمک مالی رسیده

آمریکا اول ماه مه ۱۰۰ دلار

اما گروه هشت چیست و چرا نشست های سالانه اش با چنین پیش بینی های امنیتی برپا می شود؟

در ماه آوریل ۱۹۷۳ چهار وزیر امور مالی آمریکا، آلمان غربی، فرانسه و انگلستان در کتابخانه کاخ سفید جلسه ای " غیر رسمی " ترتیب دادند تا در مورد بحران اقتصادی گفتگو و چاره اندیشی کنند. یکی از این چهار وزیر، آقای والرئ ژیسکار دستن، دو سال بعد رئیس جمهور فرانسه شد و تصمیم گرفت که جلسه مذکور را تجدید کند. ژاپن و ایتالیا نیز دعوت شدند تا با شرکت شش کشور "اجلاس غیر رسمی اقتصاد جهانی" در کاخی واقع در شهر رامبوویه فرانسه برپا شود. آمریکا درخواست کرد که کانادا نیز در اجلاس بعدی، در سال ۱۹۷۶ حضور یابد. در این سال رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا هم به عنوان ناظر در جلسه حضور پیدا کرد. هشتمین کنفرانسی که به گروه پیوست روسیه است که از سال ۱۹۹۱ در جلسات شرکت دارد و از سال ۱۹۹۸ رسماً عضو آن شد. البته روسیه به رغم عضویتش در "گروه هشت" کماکان در تصمیم گیری های مهم شرکت داده نمی شود و به ویژه وزیر اقتصاد آن از حق شرکت در اجلاس جانبی وزیران اقتصاد هفت کشور دیگر محروم است.

سران هفت- هشت کشور صنعتی مذکور کماکان می گویند که اجلاس سالانه شان " غیر رسمی " است و ربطی به تعیین و تصمیم گیری در مورد سیاست های اقتصادی و مالی در سطح جهان ندارد. اما تمام اهداف نشست سالانه ی گروه هشت معطوف به دفاع و حفاظت از منافع انحصارات سرمایه داریست. پس از هر جلسه دستوراتی به نهادهای بین المللی سرمایه داری مانند صندوق بین المللی پول و بانک جهانی ارسال می شوند که لازم الاجرا هستند. زیرا همین هشت کشور هستند که بیشترین سهام را در این نهادها دارند و همین ها هستند که در ضمن سازمان تجارت جهانی را زیر سیطره ی خود دارند. اگر دست اندرکاران گروه هشت اصرار دارند که نشست خود را " غیر رسمی " جا بزنند بدین خاطر است که از بیخ و بن غیر قانونی هستند، زیرا هیچ ملتی بدانان رای نداده تا در مورد سیاست های اقتصادی و مالی جهانی تصمیم گیری کنند.

گروه هشت با اعمال سیاست های نئو لیبرالی به تمرکز ثروت در دست مشتکی قلیل سرمایه دار شدت داده، به حقوق و دستاورد های کاری بورش برده، شرایط شغلی را برای میلیون ها کارگر و زحمتکش در سراسر جهان بدتر کرده، سطح معیشت اکثریت توده های مردم را تنزل داده، تبعیضات را در زمینه های مختلف افزایش داده و حتا به تخریب بیش از پیش محیط زیست بشر پرداخته است. گروه هشت در سال های اخیر به بهانه ی مبارزه با تروریسم بر آتش جنگ در این کشور و آن کشور، به ویژه افغانستان و عراق، دامن زده و به گسترش نظامی گری امپریالیستی پاسخ مثبت داده است. گروه هشت مدعی ست که با فقر مبارزه می کند، اما نقشه ها و دستوراتی که به صندوق بین المللی پول و

مبارزه طبقاتی و رهائی زنان (۲۸)

خلاصه ای از اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های سازمان

اعتصاب غذای پرسنل ماشین سازی اراک عنوان اطلاعیه‌ای است که در تاریخ ۱۳۸۲/۲/۲۶ انتشار یافته است.

در این اطلاعیه آمده است، بر طبق اخبار رسیده، کارگران ماشین سازی اراک از روز ۱۷ اردیبهشت برای تحقق مطالبات صنفی خود دست به اعتصاب غذا زده‌اند و این اعتصاب هنوز ادامه دارد. اعتراض کارگران به عدم پرداخت راندمان اضافه کاری و برخی دیگر از مزایای پرسنلی است. اطلاعیه می‌افزاید که از ابعاد این اعتصاب، تعداد کارگرانی که در اعتصاب غذا به سر می‌برند و پاسخ مسئولین شرکت، اطلاع دقیقی در دست نیست. رفیق مادر سنجرى، یکی از زنان مبارزی که در دوران رژیم شاه یکی از فعالین خستگی ناپذیر دفاع او حقوق و آزادی زندانسان سیاسی بود و پس از قیام نیز در گروه مادران جان باختگان فدایی به مبارزه خود ادامه داد درگذشت.

تشکیلات خارج کشور سازمان در ۲۳ مه اطلاعیه‌ای تحت عنوان «واپسین دیدار با مادر سنجرى» انتشار داد و همگان را به شرکت در مراسم خاکسپاری این زن مبارز در گورستان پراش پاریس فراخواند.

در این اطلاعیه آمده است که رفیق ماه منیر فرزانه، مادر رفقای فدایی جان باخته خشایار و کیومرث سنجرى روز ۲۰ مه در پاریس درگذشت. اطلاعیه پس از اشاره به فعالیت‌های وی در دوران رژیم شاه و تعقیب و آزار وی توسط جمهوری اسلامی که او را وادار به ترک ایران نمود درگذشت رفیق مادر سنجرى را به مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم به ویژه به چریک‌های فدایی خلق و رفیق فریبرز سنجرى تسلیت گفته است.

اتحادیه ای زنان در کشوری بود که جنبش اتحادیه ای تاخیر و عقب افتادگی داشت. آن صناعی که به ویژه تعداد کثیری از زنان در آنها شاغل بودند، در مجموع عقب مانده بودند. لذا در سال ۱۹۰۷، تنها ۱/۲٪ از کارگران در صنایع پوشاک و ۳/۹٪ در بافندگی، عضو اتحادیه کارگری بودند، در حالی که ۴۳٪ کارگران چاپ و ۸/۶٪ ماشین سازی، عضو اتحادیه بودند. (و. گویونج- سن پترزبورگ ۱۹۰۸- صفحه ۲۷۸)

نسبت زنان در اتحادیه‌ها کم بود. به طور مثال در صنایع نساجی مسکو، زنان تنها ۴/۴ درصد اعضا اتحادیه را تشکیل می دادند. در سن پترزبورگ و منطقه صنعتی مرکزی، این نسبت بیشتر بود اما همچنان در سطح نازلی قرارداد داشت (گیلیک من- ص ۸۱) در شوراها - یا کمیته های کارخانه- که در سال ۱۹۰۵ سربرون آوردند، زنان درحد نازلی نمایندگی می شدند. درحالی که زنان حدودا ۲/۵٪ طبقه کارگر سن پترزبورگ را تشکیل می دادند، تنها ۶ تن از مجموع ۵۶۲ نماینده، زن بودند (ل- ترسکی، ۱۹۰۵- نیویورک ۱۹۷۱- ص ۲۵۰)

* ادامه مطلب، مقطع انقلاب ۱۹۰۵ را مورد بررسی قرار می دهد.

در می آید، این تصویر به سرعت عوض می شود... طی سال‌های انقلابی ۱۹۰۵ و ۱۹۰۶، زنان کارگر همه جا حضور دارند... برای این که تصویر کاملی از فداکاری زنان پرولتر و وفاداری شان به آرمان های سوسیالیسم ارائه شود، باید رویدادهای انقلاب را صحنه به صحنه تشریح نماییم. (منتخب آثار کولنتای- باویراستاری الکس هولت- لندن ۱۹۷۷- صفحات ۳۹ تا ۴۲).

هر دو جناح بلشویک و منشویک حزب سوسیال دمکرات و همچنین اس- ارها، تمام تلاش خود را برای جذب زنان به اتحادیه های کارگری به کار گرفتند. اتحادیه نساجی ناحیه مسکو که بلشویک‌ها در آن نقش مسلط را داشتند، در ۱۹۰۶ برای این اعتقاد بود که: "تنها راه حل بهبود وضعیت طبقه کارگر به طور کلی و زنان به طور خاص، سازماندهی پرولتاریاست." با این فرض که "زنان به واسطه وضعیت اقتصادی و خانوادگی، کمتر قادر به دفاع از خود در مقابل استثمار و اسارت سرمایه هستند." اتحادیه پیشنهاد نمود که: "تمام اقدامات لازم به منظور جذب زنان به اتحادیه ها و دیگر سازمان‌های کارگری، بر مبنای برابری با مردان انجام بگیرد.

مطالباتی که در جریان اعتصابات سال های ۷-۱۹۰۵ مطرح می شدند، اغلب بازتاب نیاز های زنان کارگر بودند. به ندرت می توان در صناعی که زنان در آنها مشغول به کار بودند، سندی را در مورد اعتصابات پیدا کرد که به نحوی از انحاء در آن مطالباتی جهت مرخصی بارداری با حقوق (معمولا برای ۴ هفته قبل و ۶ هفته بعد از تولد نوزاد) برای زمان شیردهی به نوزاد و احداث مهد کودک در کارخانه ها، در آن نباشد. (ر. ل. زن کارخانه روسیه" ۱۹۱۴- ۱۸۹۰- از "زنان در روسیه" استامفورد ۱۹۷۸- صفحات ۸۰-۸۱).

برخلاف بریتانیا و آلمان، در روسیه از آغاز درهای اتحادیه به روی ورود زنان باز بود. اما سازماندهی زنان کارگر به شدت دشوار بود. چرا که اولاً سطح سواد و فرهنگ زنان در مقایسه با مردان نازل تر بود. دوماً سطح نازل دستمزد زنان که در سال ۱۹۱۳ در صنایع کارخانه ای، حدودا نصف دستمزد مردان بود و همچنین ستم مضاعف ناشی از کارگر و زن خانه دار بودن. لذا زنان از اعتماد به نفس کمتری برخوردار بودند. به طور مثال یک زن کارگر، احساسات زنان کارگر در مورد مسئله شرکت در گروه های کارگری را در عبارات زیر بیان می کند: "خوب، من می خواهم که چیزی را بیان کنم و نظرم را بگویم، اما بعد که به آن فکر می کنم، با خودم می گویم در حالی که این همه به من نگاه می کنند، چه خواهد شد که اگر کسی به حرف من بخندد. من با این تفکرات بزرگ شده‌ام، من از "ترور شخصیت" انباشته شده‌ام... ساکت ولی درونم آتش گرفته است." (گیلی من- ص ۸۲)

به هر رو، نتیجه، سطح نازل سازمان یابی

بانک جهانی ارسال می کند کشورهایی مانند آرژانتین را در چنان شرایطی گرفتار کرده که بیش از ۷۰ درصد مردم آن زیر خط فقر قرار گرفته اند. تمام سیاست هایی که گروه هشت در چهارچوب "تجارت آزاد" اتخاذ کرده و آن را از کاتال سازمان تجارت جهانی اجرا نموده دایما کشورهای جنوبی یا درحال توسعه رادر وضعیتی فلاکت بارتر از پیش قرار می دهد. وعده های کمک های مالی گروه هشت برای مبارزه با بیماری هایی مانند ایدز در سطح جهان نه فقط تحقق نیافته اند بلکه بسیار دورتر از واقعیت این بیماریها هستند. درحالی که در سال ۲۰۰۱ دبیرکل سازمان ملل متحد گفت که برای مبارزه با ایدز، مالاریا و سل در سطح جهان احتیاج به ۱۰ میلیارد دلار در سال است، گروه هشت یک میلیارد و دو بیست میلیون دلار به آن اختصاص داد و تا امروز حتی یک سنت از آن را نیز واریز نکرده است! همزمان با گسترش دخالت‌های خودسرانه و تصمیم گیری‌های سلطه جویانه ی گروه هشت، مبارزاتی هم برضد آن آغاز شد. نخستین اعتراضات در لندن و در سال ۱۹۸۴ شروع شد و سال ها بعد در شهر بن آلمان پیگیری شدند. اما بزرگترین اعتراضات در بیرمنگام ۱۹۹۸ مشاهده شدند و در سال پس از آن به شهر کلن آلمان رسیدند. در سال ۲۰۰۱ درحالی که بیش از ۲۵۰۰۰ نفر در خیابان‌های جنوبی ایتالیا برضد نمایندگان سرمایه‌داری یا گروه هشت تظاهرات می کردند، پلیس فاشیست این کشور جوانی به نام کارلو جولیانی را کشت. به رغم بستن مرزها، ایجاد جو پلیسی و گسیل ارتش و استقرار تجهیزات فوق مدرن آن، امسال نیز گروه‌ها، انجمن‌ها، احزاب و سازمان‌های ضد سرمایه‌داری، چپ و کمونیست برای اعتراض به نشست سران هشت کشور صنعتی جهان آکسیون‌های مختلفی را در نظر گرفته اند. آری، این بار فعالان جنبش جهانی ضد سرمایه داری اعتراض خود را در شهر اویان فرانسه به نمایش می گذارند.

از صفحه ۴ اخبار کارگری جهان

اقتصادی این کشور خطرناک قلمداد کردند. کارگران اما اعلام نمودند که دیگر گوششان به این حرف‌ها بدهکار نیست و سرمایه‌داران راهی جز گردن گذاشتن به خواست کارگران نخواهند داشت.

* افزایش بیکاری در اتحادیه اروپا

با تشدید بحران اقتصادی، نرخ بیکاری در اروپا روند صعودی طی می‌کند. طی ماه مارس سال جاری در ۱۲ کشور اروپایی بیکاری افزایش یافت. هم‌اکنون میانگین نرخ بیکاری در اتحادیه اروپا ۷/۸ درصد، بالاترین درصد بیکاری را داراست.

* اعتراض کارگری در هلند علیه خصوصی سازی ها

هزاران تن از کارگران و کارکنان بخش دولتی، در اعتراض به واگذاری برخی صنایع و مراکز خدماتی به بخش خصوصی، روز ۲۲ مه دست از کار کشیدند. اعتصابیون از دولت هلند خواستار توقف پروسه فوق شدند.

مبارزه طبقاتی ورهائی زنان (۲۸)

۴ نفر آنها دختران ژنرال های ارتش بودند. تقریباً همه آنها تحصیل کرده بودند که برخی در اروپا و برخی پس از سال ۱۸۷۶ در دانشگاه های روسیه تحصیل کرده بودند (همان جا - صفحات ۱۴۸ و ۱۴۹)

در فاصله سال های ۱۹۰۱ تا ۱۹۱۶، نسبت زنان در حزب سوسیال-رولوسیونرها (اس-ار) که برآیند یک جنبش عموم خلقی بود، ۱۴/۳٪ بود (ر. ه. مک نیل- زنان در جنبش رادیکال روسیه مندرج در نشریه تاریخ اجتماعی مورخ زمستان ۲- ۱۹۷۱- صفحه ۱۴۴: م. بیر: ترکیب و ساختار حزب انقلابی سوسیالیستی قبل از ۱۹۱۷ مندرج در مطالعات شوروی اکتبر ۱۹۷۲ - صفحه ۲۳۷) زنان اغلب در عملیات تروریستی شرکت داشتند چرا که در این شکل از مبارزه زن بودن مزایای تاکتیکی فراوانی داشت. آنها بهای گزافی برای فعالیت خود پرداختند: از میان ۴۳ اس-اری که در سال های ۱۸۸۰ تا ۱۸۹۰ به جرم فعالیت های تروریستی به حبس ابد و کار اجباری محکوم شده بودند، ۲۱ نفر زن بودند (مک نیل- صفحه ۱۵۵)

نسبت زنان در بین مارکسیست ها که در سال های ۱۸۹۰ و آغاز قرن ۲۰ به نیروی قابل ملاحظه تبدیل شدند، بسیار محدودتر بود. مناسفانه اطلاعات اندکی در این مورد وجود دارد. در کنگره ششم حزب بلشویک که در اوت ۱۹۱۷ برگزار شد، از کل ۱۷۱ نماینده، تنها ۱۰ نفر زن بودند که به زحمت ۶٪ را تشکیل می داد. اولین آمارگیری جامع از اعضای حزب در سال ۱۹۲۲ صورت گرفت، که زنان تنها ۸٪ کل اعضا را تشکیل می دادند (م. فین سود- چگونه روسیه اداره می شد- کمبریج- ماساچوست- صفحه ۲۵۴).

جنبش های پوپولیست و تروریست با تاکید بر اقدامات فردگرایانه، قهرمانانه، زنان بیشتری را که عموماً از میان روشنفکران بودند، به صفوف خود جلب نمودند. مارکسیست ها فعالیت های عمده خود را صرف تهییج و سازمان دهی کارگران صنعتی نموده بودند، جایی که سازماندهی زنان دشوار بود.

زنان و مبارزه صنعتی

با ورود طبقه کارگر به مبارزات صنعتی، زنان نیز به عرصه عمل گام نهادند. تاریخچه مبارزات صنعتی زنان بین سال های ۱۸۷۰ الی ۱۹۰۵ به بهترین نحو، توسط کولنتای یکی از رهبران برجسته مداخله گر جنبش انقلابی بیان شده است. وی می نویسد: "جنبش زنان کارگر به واسطه ماهیتش، جزئی

جدایی ناپذیر از جنبش عمومی کارگران است. . . در تمام خیزش ها و طغیان ها در کارخانه ها که به مذاق تزار خوش نمی آمد، زنان نقشی همپرازبا مردان ایفا نمودند. . . زنان کارگر در جریان ناآرامی سال ۱۸۷۴ که در کارخانه Krenkel Mskaya صورت گرفت، نقش فعالی ایفا کردند. زنان همچنین در اعتصاب سال ۱۸۷۸ در کارخانه Novaya Pryadilina در سن پترزبورگ حضور فعال داشتند و در سال ۱۸۸۵ رهبری کارگران نساجی را در جریان اعتصاب معروف Orekhovo_ Zevo که در طی آن ساختمان کارخانه تخریب شد و تزار رامجور به پذیرش قانونی کرد که شب کاری برای زنان و جوانان را ممنوع می کرد برعهده داشتند."

همچنین شورش اوریل ۱۸۹۵ در کارخانه Yaroslav، تحت تاثیر و حمایت زنان بافنده انجام گرفت. زنان کارگر سن پترزبورگ، رفقای خود را در حین اعتصابات مودی سال های ۹۶ - ۱۸۹۴ تنها نگذاشتند و هنگامی که اعتصاب تاریخی کارگران نساجی در تابستان ۱۸۹۶ در گرفت، زنان کارگر به همراه مردان دست از کار کشیدند.

زنان پرولتر، تحقیر شده، کم رو و محروم از هرگونه حق و حقوق، در جریان ناآرامی ها و اعتصابات، یک باره رشد می کنند و می آموزند که با قامتی افرشته بایستند. . . می آموزند که مشارکت در جنبش کارگران، رهایی بخش زن کارگر است، نه فقط به عنوان کسی که نیروی کارش را می فروشد بلکه ایضا به عنوان یک زن، همسر، مادر و خانه دار. کولنتای به تقدیس زنان کارگر نمی پردازد. او آنان را همان گونه که هستند با نقاط ضعف شان تصویر می کند. وی به فقدان استقامت در میان زنان کارگر اشاره می کند. از جمله می گوید: "به محض فروکش موج فعالیت اعتصابی و بازگشت کارگران به کار خواه با پیروزی یا شکست، زنان باردیگر ایزوله و پراکنده می شوند." معدود زنانی که در سازمان های مخفی حزب فعال بودند نیز از میان زنان روشنفکر بودند. زنان کارگر را نمی شد متقاعد نمود که در جلسات نیمه قانونی یا "قانونی" یعنی جایی که مارکسیسم و سوسیالیسم انقلابی، تحت پوشش "درس های بی آزار جغرافیا و ریاضیات" ارائه می شد، شرکت نمایند. زنان کارگر هنوز هم از زندگی و مبارزه پرهیز می کردند و براین باور بودند که سرنوشت آنان، آسپزی، قابلمه و ظرف شویی و گهواره بوده است. . . معهدا کولنتای می نویسد: "از هنگامی که پرچم سرخ انقلاب بر فراز روسیه به اهتزاز

صفحه ۷

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiian - minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiian - minority.org

KAR

Organization Of Fedaiian (Minority)

No. 406 mei 2003

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071, Wien
Austria

دانمارک
I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M. A. M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A. A. A
MBE 265
23, Rue Lecourbe
75015 Paris
France

کانادا
K.Z
P.O. BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایند

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی